کلام روشن علامۀ طباطبایی در قبول تعدد ثبوتی قرائات

همین شنبه شب در منزل یکی از اعزه بود؛ ایشان فرمودند؛ با اینکه در مباحثه هم عرض کرده بودم و از کتاب دیگری هم گفته بودم. چون ایشان فرمودند دوباره مراجعه جدیدی کردم و دیدم خیلی خوب است که به اندازه دو-سه دقیقه این را دوباره یادآوری کنم. ایشان فرمودند تأیید همین مطلب که تعدد قرائات مستند به خود جناب جبرئیل عن الله تعالی است، علامه طباطبائی هم در کتاب مهر تابان این را فرموده‌اند. در سؤال و جواب ابحاث تاریخی است. قبلاً هم خدمت شما گفته ام. اما بعد از تذکر ایشان دوباره آوردم و نگاه کردم. دیدم عباراتی دارند که خوب است و اشاره می‌کنم. کتاب من اولین چاپ است. حال الآن نمی‌دانم که صفحه چند است اما فصل ابحاث تاریخی بعد از بحث نسخ به اینجا می‌رسند. در مورد کتابت وحی می‌پرسند.

> **تلميذ: راجع به كتّاب وحي الهي قرآن مجيد چه قسم بوده‌اند؟ آيا وقتي كه وحي نازل مي‌شده است.**
> **بعدا رسول خدا مي‌فرستادند در پي كاتب وحي كه بيايد و بنويسد؟مثلا بعضي از كتّاب وحي وجود**
> **مقدّس حضرت أمير المؤمنين عليه السّلام بوده‌اند؛ و معلوم است كه آن حضرت پيوسته با رسول**
> **الله نبودند؛ بلكه رسول الله چه بسا آن حضرت را به جنگ مي‌فرستاده‌اند؛ و يا براى مأموريّت‌هاى**
> **ديگرى گسيل مي‌داشتند.عبد الله بن مسعود و ابىّ‌بن كعب و زيد بن ثابت؛ وضع و طريقه‌شان**
>
> **چگونه بوده است؟[1]**

جواب علامه با «بنده ندیده ام» شروع می‌شود. بعد خودتان مراجعه کنید. جملاتی که منظور من است را سریع می‌گویم و رد می‌شوم. ببینید که ایشان چقدر روشن این حرف را زده‌اند.

> **و امّا اختلاف قرائت‌ها را استناد مي‌دهند به رواياتي؛ يعني قراء اينطور از رسول الله رواياتي كرده‌اند؛**
> **و همينطور است قرائت عاصم كه قرائت دائر قرآنست؛ او نيز از امير المؤمنين عليه السّلام بيك**

> **واسطه رواي ت مي كند... قضيّه اختلاف قرائت در تاريخ قرآن، خود يك مسئلهاي ست؛ خود يك مرحلهاي ست... و نيز از زبان خودشان اين قرائات ابداع نشده است...اين قرائتي است مستند به پيغمبر اكرم...و بقول اهل تاريخ چون خود رسول اكرم دو سه مي بيشتر قرآن را قرائت مي كردند، پس اختلاف قرائات راجع به اختلاف كيفيّت قرائت خود رسول الله مي شود[2]**

«**و امّا اختلاف قرائتها را استناد مي دهند به رواي ت**»؛ منظور از رواي ت يعني از اجتهاد خودشان نيست.«**يعني قراء اينطور از رسول الله رواي ت كردهاند**»؛ بعد به عاصم و ديگران مثال مي زنند و بعد مي گويند:

«**قضيّه اختلاف قرائت در تاريخ قرآن، خود يك مسئلهاي ست؛ خود يك مرحلهاي ست**»؛ يعني حل آن و توضيحش و وضوحش خيلي كار مي برد. من به گمانم اين دو صفحه بعد از يك عمر كار تفسيري و علمي، خلاصه زحمات ايشان در تفسير وخلاصه زحمات علمي ايشان است. بعد مي فرمايند: «**و نيز از زبان خودشان اين قرائات ابداع نشده است...و بقول اهل تاريخ چون خود رسول اكرم دو سه مي بيشتر قرآن را قرائت مي كردند، پس اختلاف قرائات راجع به اختلاف كيفيت قرائت خود رسول الله مي شود**».

در آن جلسه هم آن استاد بزرگوار به اين اشاره كردند:

> **جبرائيل سالي يكبار خدمت رسول الله مي آمد و آنچه از قرآن، از اوّل وحي تا آنوقت نازل شده بود به پيغمبر دوباره مي خواند، و وحيش را تجديد مي كرد؛ و پيغمبر هم به همان طريقي كه أخيراً جبرائيل خوانده است به كُتّاب وحي مي خواندهاند؛ و از آنها به همين گونه به مردم انتشار مي يافت؛ و در نتيجه اين وحي با وحي سابق اختلاف پيدا مي كرد. و بنابراين، علّت اختلاف قرائات مستند به اصل اختلاف قرائت جبرائيل در سنوات عديده مي شود[3]**

«**...و در نتيجه اين وحي با وحي سابق اختلاف پيدا مي كرد**»؛ حال در اين قسمت مي توانيم تحقيق بيشتر و هم مناقشه كنيم. من فرمايش ايشان را مي خوانم. «**و بنابراين، علّت اختلاف قرائات مستند به اصل اختلاف قرائت جبرائيل در سنوات عديده مي شود**»؛ اولي كه ما اين مباحثه را شروع كرديم شايد بالاي ده جلسه بحث شد كه آيا اصل نزول قرائت قرآن به چه صورت بوده. اين مي تواند يك وجه آن باشد. ثبوتاً ما از وجوه متعددي بحث كرديم. اين يكي از آن وجوه است كه ايشان مي فرمايند هر سالي كه جبرئيل مي آورده است، متفاوت مي آورده است.

> **تلميذ: آيا هر سالي كه جبرائيل نازل مي شد و همه قرآن را براي رسول الله**

> **تلاوت مى‌كرد، رسول اللّه در يك سال همه قرآن را براى أمير المؤمنين عليه السّلام، و در سال ديگر فقط براى ابَىّ، و در سال ديگر فقط براى زيد بن ثابت، و همچنين هر سالى فقط براى يكى ديگر از كاتبين قرآن مى‌خواندند؟**
>
> **[4]**

مى‌گويند خب مثلاً كل قرآن را در يک سال براى اُبى مى‌خواندند؟! تلاوت سال بعد را براى ابن مسعود مى‌خواندند؟! جواب مى فرمايند كه نه اين طور نيست :

> **علّامه: بالاخره اين همه رواياتشان متعدّد است و همه جور دارند. فقط در سال رحلت رسول اكرم دارند كه رسول اكرم فرمود: من عمرم تمام شده است، و شاهدش اين است كه در امسال دوبار جبرائيل بر من نازل شده است و قرآن را براى من دوبار تلاوت كرده است؛ از اوّل قرآن تا آخر، و اين دليل بر رحلت من است؛ و البتّه معلوم است كه دو مرتبه تلاوت كرده است، يعنى به دو كيفيّت. در اين قسمتها كتاب «إتقان» سيوطى بد نيست؛ در آن اين مطالب تا حدّى كشف مى‌شود. سيوطى إنصافاً مدّاى زبردستى بوده؛ در تتبّع و نقل اقوال و رواياتِ بسيار تسلّط دارد، و در اين امور خيلى مسلّط بوده و صاحب نظر هم نبوده است، بلكه مسلّط در نقل بوده است[5]**

آن چه كه مقصود من است كلمه «دو كيفت» است كه در چند سطر بعد مى‌آيد: **«در سال رحلت رسول اكرم دارند كه رسول اكرم فرمود: من عمرم تمام شده است، و شاهدش اينست كه در امسال دوبار جبرائيل بر من نازل شده است و قرآن را براى من دوبار تلاوت كرده است؛ از اوّل قرآن تا آخر، و اين دليل بر رحلت من است»!** اين قسمت توضيح جناب علامه است:**«و البتّه معلوم است كه دو مرتبه تلاوت كرده است، يعنى به دو كيفيّت»!** اين توضيح از ايشان است. ما هم قبلاً از رواىت « يُوشِكُ أَنْ أُقْبَضَ» بحث كرديم. مفصل از رواىت نزول قرآن در كل سنه بحث كرديم. ايشان مى‌گويند سال آخر كه دوبار آمد يعنى چون دو كيفيت بود دوبار آمد. ولى اگر يک كيفيت بود، نيازى نبود كه دوبار بيايد. اين مبناى ايشان است. اين مهمترين عبارتى بود كه مقصودم بود. شايد جلوتر ها نگاه كرده بودم به اين كلمه توجه نكرده بودم. در ذهنم نيست. اينكه قبلاً عرض كرده باشم نمى‌دانم. ظاهراً نگفته بودم. اين مهم است كه ايشان مى‌گويند اساساً عرضه سنوى به‌خاطر تعدد نزول بوده و لذا چون در وسط سال رحلت و شهادتشان پيش مى‌آمد، جبرئيل دوبار آمد، چرا؟ چون دو كيفيت را تلاوت كرده باشد.

تلميذ: بالاخره بايد اين مسأله حلّ شود؛ و آن اينست كه ابىّ بن كَعْب تمام قرآن را خودش يك قسم قرائت مى‌كرده است، زَيد بن ثابِت نيز يك قسم و أمير المؤمنين عليه السّلام نيز يك قسم قرائت مى‌كرده اند؟ و در اين صورت لازمه‌اش اينست كه در هر سال، قرآن را براى يك نفر مى‌خواندند؛ و اگر در هر سال قرآن را براى همه مى‌خواندند بايد در نفس قرائت اينها نيز اختلاف وجود داشته باشد.

علاّمه: نه، ممكنست ابی ّقرآن ار يك قسم خواندە باشد و سال آيندە يك قسم ديگر خواندە باشد و سال آيندە يك قسم ديگر و همينطور؛ و همينطور هم هست، چون برای ما از هر يك از قرّاء چند نوع قرائت حكايت شدە است؛ از خصوص ابَی ّمثلاً، كه در اين سال اينطور خواندە است، و در سال بعد طور ديگر قرائت كردە است. بعضی چنين می‌گويند كه علّت اختلاف قرائات اينست[6]

اين قسمت منظور من بود؛ **«... و همينطور هم هست»؛** اينجا اظهار نظر خودشان است. يعنی می‌گويند واقعش اين است كه اصلاً خود اُبی يک قرائت ندارد. بلكه خود اُبی چند قرائت دارد. بعد ادامه می‌دهند و می‌گويند: **«چون برای ما از هر يک از قراء چند قرائت حكايت شدە است».** كنار اين سندهايی كه چقدر طول كشيد كه پيدا كنيم را بگذاريد. برای ما از سندهای بسيار خوشحال كننده بود. از قول ابان[7] بود. ابان كه خودش مقری مدنی از قراء سبعه است، تا وقتی كه نمی گفتند قرائت خودت را بگو، نمی گفته و سائر قرائات را اقراء می‌كردە. می‌گفتند تو كه خودت مختار القرائات داری! می‌گفت داشته باشم؛ كلّه قرآن؛ همه كلام خداست. هر كسی به من مراجعه كند چرا از كلام خدا محرومشان كنم؟! سائر قرائات را اقراء می‌كرد و می‌گفت اگر به من بگويند كه مختار خودت را در قرائت بگو، قرائت خودم را می گويم.

خيلی در اينجا برای ما اين سؤال مطرح بود كه مختار به چه معنا است؟ ابن جزری توضيح داد كه مختار قاری با فتوای مجتهد فرق دارد.فتوای يكی از دو مفتی درست است اما در مختار قاری همه آنها درست است. اينها را ابن جزری قشنگ توضيح داد و ما همه اينها را خواندیم. اينها را عرض می‌كنم برای كسانی كه تشريف نداشتيد و در اين بحثها ذهنتان جديد است تا مراجعه كنيد و اين بحثها را صاف كنيد.

---

[1]http://amafhhjm.ir/wp/almobin/Amafhhjm/q-tfs-000-000/q-tfs-000-007-00031.html

[2]همان

[3]همان

[4]همان

[5]همان

[6]همان

[7]جمال القراء وكمال الإقراء (ص: ٥٣٢)؛ وكان ابان رحمه الله يقرئ الناس بالقراءات كلها.قال أبو دجْيَة المُعَلّى بن دجية: فجئته بكتاب الليث بن سعد، رحمه الله.ألقرأ عليه، فوجدته يقرئ الناس بجميع القراءات، فقلت: يا أبا روميم أتقرئ الناس بجميع القراءات؟فقال: سبحان الله العظيم، أأحرم من نفسي ثواب القرآن؟أنا اقرئ الناس بجميع القراءات حتى إذا جاء من يطلب حرفي ألقرأته به.وقال الأعشى: كان ابان يسهل القراءة لمن قرأ عليه إلاّ أن يقول له إنسان: أريد قراءتك، فيأخذه بالنبر في مواضعه، وإتمام الميمات.

بازبینی #3
ایجاد شده 15 مارس 2024 19:33:25 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 مه 2024 16:00:39 توسط ... .